

**امام حسن(ع) در دوران هفت سالگی**

امام حسن(ع) در دوران هفت سالگی ، به مسجد می رفت ، و پای منبر رسول خدا (ص) می نشست ، و آنچه در مورد وحی ، از آن حضرت می شنید، به منزل ، باز می گشت و برای مادرش فاطمه زهرا (ع) نقل می کرد (به این ترتیب که همچون ، يك خطیب ، روی متکائی می نشست ، و سخنرانی می نمود، و در ضمن سخنرانی آنچه از پیامبر (ص) فرا گرفته بود، بیان می کرد.

امام حسن(ع) در دوران هفت سالگی ، به مسجد می رفت ، و پای منبر رسول خدا (ص) می نشست ، و آنچه در مورد وحی ، از آن حضرت می شنید، به منزل ، باز می گشت و برای مادرش فاطمه زهرا (ع) نقل می کرد (به این ترتیب که همچون ، يك خطیب ، روی متکائی می نشست ، و سخنرانی می نمود، و در ضمن سخنرانی آنچه از پیامبر (ص) فرا گرفته بود، بیان می کرد.

حضرت علی (ع) هرگاه وارد منزل می شد و با فاطمه زهرا(ع) ، سخن می گفت ، در می یافت که فاطمه (ع) آنچه از آیات قرآن ، نازل شده ، اطلاع دارد، از او پرسید: با اینکه شما در منزل هستید، چگونه به آنچه که پیامبر (ص) در مسجد بیان کرده ، آگاه هستی؟!.

فاطمه زهرا(ع) ، جریان را به عرض رساند، که این آگاهی ، از ناحیه فرزندت حسن (ع) به من انتقال می یابد. روزی علی (ع) در خانه مخفی شد، حسن (ع) که در مسجد، وحی الهی را شنیده بود، وارد منزل شد و طبق معمول بر متکا نشست ، تا به سخنرانی پردازد، ولی لکنت زبان پیدا کرد، حضرت زهرا (ع) تعجب نمود!، حسن (ع) به مادر عرض کرد: تعجب مکن ، چرا که شخص بزرگی ، سخن مرا می شنود، و استماع او مرا، از بیان مطلب ، باز داشته است.

در این هنگام علی (ع) از مخفیگاه خارج شد و فرزندش ، حسن (ع) را بوسید.  
منبع: سایت حکایت ها و حکمتها